

بسم الله الرحمن الرحيم

رادیکالیزم، بنیادگرایی و افراط گرایی بر کفار مشروع و بر مسلمانان جنایتی بیش نیست!



(ترجمه)

سلطان، شاه عربستان سعودی و دونالد ترامپ رییس جمهور ایالات متحده به روز یکشنبه ۲۱ می ۲۰۱۷م مرکزی را زیر عنوان "مرکز جهانی مبارزه علیه افراط گرایی" به عنوان فرصتی که پیام افراطی را در وقت معین آن تبارز خواهد داد، به راه انداختند. این مرکز که به نام اعتدال یاد می شود، تحت یک سلسله همکاری های بین المللی به منظور مبارزه علیه افراط گرایی با تحلیل و بررسی آن و ترویج فرهنگ اعتدال به میان آمده است. ملک سلمان، شاه عربستان سعودی بر اهمیت این مرکز تأکید نموده و گفت: «ما مفاهیم اعتدال، برادری، اتحاد و مبارزه علیه افراط گرایی را گسترش خواهیم داد و آرزوی موفقیت این مرحله اساس را در جهت بزر فرهنگ انسانیت و ترویج صلح در این زمینه داریم.»

تصویر مضحک که توسط سلمان، شاه عربستان سعودی، دونالد ترامپ رییس جمهور امریکا و السیسی رییس جمهور مصر در مراسم افتتاحیه ی این مجلس به تصویر کشیده شد، به عنوان یک الگو در سراسر جهان قرار گرفت. در حقیقت، این تصویر کاملاً ثابت نمود که حکام دست نشانده سرزمین های اسلامی در ظاهر و باطن از دوستی با استعمارگران کافر، امریکا و بقیه کشورهای غربی-دشمنان دیرینه اسلام- دست بردار نیستند. میلیون ها مسلمان در سراسر جهان به صورت دقیق آن زیر کنترل و ضبط کفار قرار گرفته است که شاید هم در یک برهه ی حساس با وسایل تکنالوژیکی طبق طرح و برنامه اردوی ضد تروریستی شان از بین رفته و اعدام شده باشند. این در حالیست که، آن ها(قدرت های غربی و حکام دست نشانده ی آن ها) در تلاش اند تا رادیکالیزم، بنیادگرایی و افراط گرایی را با گمراه کردن و تحریف نمودن محصولات ایدئولوژی فاسد شان زیبا جلوه دهند.

رادیکالیزم از ریشه لاتینی "رادیکس" به معنی ریشه و بنیاد گرفته شده و نگرشی سیاسی است که به دنبال رسیده گی ریشه های مشکلات سیاسی و اجتماعی می باشد. رادیکالیزم در مطابقت با ایدئولوژی های غیر اسلامی؛ مانند: کپیتالیزم یا کمونیزم موازی با آن ها بوده و از دایره ی دموکراسی و هم چنان خشونت خارج نیست. به گونه مثال: حزب سیاسی ایتالیا،

"رادیکال ای‌تالیایی" و حزب رادیکال فرانسه، از جمله سازمان های سیاسی و معتبری می باشند که در خصوص با شعارهای ضد اسلامی بنا یافته اند.

افراط گرایی؛ به نگرش های سیاسی، تلاش ها و دیدگاه های اطلاق می شود که وابسته به افکار غربی ها بوده و به عنوان یگانه دیدگاه درست در نزد آن ها محسوب می شود. در حالیکه، در عین زمان خلاف عقاید و سیاست های جهان می باشد. بناً ما می دانیم که افراط گرایی چپ؛ عبارت از رادیکال دموکراتیک و برابری طلبانه، انارشیزم و اشکال گوناگون از کمونیزم است. اما افراط گرایی راست؛ عبارت از ضد دموکراتیک و ضد مساوات طلبی، فاشیزم، نازیسم و ناسیونالیسم تحت نام نقض حقوق بشر و غیره، می باشد. اما اسلام در هر یک از این تعاریفات مناسب نیست، نه در قوانین آن و نه در آن چه که در تاریخ تجربه شده است. هرچند، نه "پگیدا" در آلمان(اروپایی های وطن پرست علیه اسلامی شدن غرب) و نه هم سطح بی سابقه ی وطن پرستی گروه های افراطی در امریکا، نیازمند همکاری های بین المللی و مبارزه علیه این ها می باشند بلکه این گروه ها با وجود انجام خشونت هایشان، در آینه تروریست دیده نمی شوند؛ زیرا آن ها موازی با اساسات ایدئولوژی سرمایه داری یعنی نظام موجوده فعلی در حرکت بوده و خلاف آن پا از دایره نمی کشند.

اصطلاح بنیادگرایی در اوایل قرن نوزدهم میلادی به عنوان یک واکنش مسیحی به تقویت مدرنیسم در دین و الهیات در مذهب کاتولیک پروتستان و جامعه اسقفی به وجود آمد. بنیاد گراها دارای ارتباط مخصوصی می باشند. آن ها اتهام درگیری را خیانت تلقی نموده و همکاری با آن را دشمن رستگاری و حقیقت می دانند. آن ها از استراتژی های تشویقی، باز آموزی و یا مصالحه به عوض دیالوگ استفاده می نمایند. با در نظرداشت تمام فصاحت و بلاغت سیاسیون غربی، رسانه ها و روشنفکران سیکولر در مقابل اسلام و مسلمانان و معرفی جدید تمام برنامه های ضد افراطی در نظام تعلیمی جهان غرب و غیره، نتیجه آن به طور کلی، بی رغبتی حقوق بشر، کثرت گرایی، هجوم بر سرزمین های اسلامی، بی علاقه گی در مقابل قتل عام میلیون ها مسلمان بی گناه توسط بوداییان، هندوها، بعضی ها و صهیونیست ها می باشد. این نوع افراط گرایی به عنوان سیاست های جلوگیری کننده در سطح دولت و بی نظمی های دماغی در سطح پایین تر از آن را تایید می کند، اما هیچ گاهی به عنوان تروریسم یاد نمی شود.

قسمی که جامعه شناسان و سیاسیون غربی نمی توانستند اسلام را با یکی از این تعاریفات و واژه ها خلط نمایند، بناً آن ها واژه جدیدی را به نام افراط گرایی اسلامی اختراع کردند که امروزه غرب اسلام افراطی را به گونه زیر بیان می کند:

اسلام افراطی در کل عبارت از همان اسلام سیاسی و حرکت انقلابی اجتماعی می باشد که مسوولیت پیش برد آن را اقلیت مسلمانان به دوش دارند که پیروان آن خواهان احیای دوباره دولت اسلامی با در نظرداشت آن چه که اسلام سیاسی خواهان آن است، می باشند. آن ها اسلام را بدیل در مقابل دولت های دموکراتیک و نظام های اجتماعی غربی می دانند. (منبع: دفتر حمایت از قانون اساسی، براند بورگ، آلمان)

این تعریف کم یا بیش منطبق با تمام کشورهای غربی بوده و افراط گرایی اسلامی نیازمند شیوه های تروریستی می باشد. بر اساس تعریف غرب، تروریسم عبارت از خشونت علیه نظام فعلی که به منظور تقویت تغییر سیاسی همراه با اعمال جانی به کار برده شود، می باشد.

اما اگر امروز به جهان اسلام نظر کنیم با سوالاتی مواجه می شویم که دریافت پاسخ به آن ها ضروری می باشد. به گونه مثال: امروز کی زیر تهدید و وحشت قرار دارد؟ کی نظام موجوده اش را از طریق جنبش های سیاسی و انقلاب اجتماعی در قرن گذشته از دست داد؟ کجاست میلیون ها اطفال بی گناه که از اثر گرسنگی، زجر، قتل عام و یا هم به اثر حملات هستوی از بین می روند؟ کجاست زنان مسلمان که به شکل گروهی هتک ناموس گردیده و از بین می روند؟ و کجاست مردانی که آبرو و عزت شان را از دست می دهند؟ کیست که چنین جنایت ها را مرتکب می شود؟ کیست که به منظور تقویت تغییر سیاسی مرتکب اعمال تروریستی می شود؟ آیا این از دست آوردهای اسلام سیاسی است یا از دست آوردهای

دست نشانده های جابر که زمینه افراط گرایی و بنیاد گرایی حقیقی قدرت های کفار غربی را در سرزمین های اسلامی فراهم کرده اند؟

بنابر این در پرتو این شرایط، دونالد ترامپ این دشمن اسلام و مسلمانان حالا وعده صلح و دوستی را در زمینه داده و رهبران سرزمین های اسلامی را مخاطب قرار داده و گفت: «در مقابل افراط گرایی اسلامی و بحران های اسلام گراهای افراطی که به نام حمایت از دین انجام می دهند، پیکار نمایید.» وی بسیار ماهرانه جنگ علیه افراط گرایی را جنگ میان حق و باطل درحالی عنوان کرد که نیروهای کشورش را برای استفاده ی بزرگ ترین بمب هستوی در مقابل اطفال و خانواده های بی گناه در افغانستان نیز تحسین و تقدیر نمود. او با فراخوانی بعضی از کشورها برای کناره گیری بین المللی و بیرون راندن تعداد از مسلمانان از سرزمین شان، هنوز به عنوان یک فرد عادل مسمی گردیده است.

این حکام دست نشانده خابن در سرزمین های اسلامی کسانی اند که تلاش دارند تا ایدئولوژی اسلامی را با مفاهیم استعماری رادیکالیزم، بنیاد گرایی، افراط گرایی و تروریسم خلط نمایند. جز این نیست که هدف شان همانا تقویت نظریه باشد که گویا اسلام یک ایدئولوژی شده نمی تواند و هیچ برنامه ایدئولوژیکی در جهت بدست آوردن اهداف شان و در تطبیق قوانین الهی ندارد. در همین حال آن ها شایعات پخش می کنند که ایدئولوژی سرمایه داری بهترین نوع نظام برای بشر می باشد. در حالی که آن ها فداکارانه و مخلصانه در خدمت تکه داران این ایدئولوژی مانند ترامپ دشمن دیرینه اسلام می باشند. علاوه بر این، در جهان امروزی داعیان این ایدئولوژی کسانی هستند که تشخیص می نمایند، چه خوب است و چه بد، چه چیز عادلانه است و چه چیز غیر عادلانه، چی وسط طلایی است و چه بنیادگرا، رادیکال و افراطی؟ در حالی که الله سبحانه و تعالی می فرماید:

(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ)

[انفال: ۳۶]

ترجمه: آن ها که کافر شدند، اموالشان را برای بازداشتن (مردم) از راه الله خرج می کنند؛ آنان این اموال را (که برای به دست آوردنش زحمت کشیده اند، در این راه) مصرف می کنند، اما مایه حسرت و اندوهشان خواهد شد؛ و سپس شکست خواهند خورد؛ و (در جهان دیگر) کافران همگی به سوی دوزخ گردآوری خواهند شد.

نویسنده: زهرا ملک

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۱ رمضان ۱۴۳۸ هـ ق

۲۷ می ۲۰۱۷ م